



مصونیت جزائی دیپلماتیک

پدیدآورنده (ها) : مومنی، مهدی

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه معرفت :: مهر ۱۳۸۵ - شماره ۱۰۶ (ISC)

صفحات : از ۸۶ تا ۹۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/61405>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تحول مفهوم مصونیت دیپلماتیک: ملاحظات امنیتی و حقوق بشری
- پناهندگی دیپلماتیک
- حقوق جزای بین الملل و اصول کلی حقوقی
- کنوانسیون ۱۷ ژانویه ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد راجع به مصونیت قضائی دولتها و اموالشان
- عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری
- وضعیت حقوقی پیک و کیسه دیپلماتیک در حقوق بین الملل
- ممنوعیت محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری ایران و تعارض های آن با اسناد بین المللی
- مصونیت و امتیاز سیاسی از نظر حقوق بین الملل
- مبانی فقهی مصلحت و جایگاه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- مصلحت و نقش آن در استنباط احکام شرعی و حکومتی
- مسئله یابی جایگاه دین در روابط بین الملل
- شاخص های تقدیم اهم بر مهم در تراجم های اخلاقی

عناوین مشابه

- مصونیت دیپلماتیک و کنسولی و قواعد حاکم بر آنها
- حقوق تطبیقی: مصونیت پارلمانی: در حقوق جزائی فرانسه
- تحول مفهوم مصونیت دیپلماتیک: ملاحظات امنیتی و حقوق بشری
- مصونیت جزائی و تعقیب با تشریفات خاص
- حقوق تطبیقی: مصونیت قضائی در حقوق جزائی فرانسه
- مصونیت دیپلماتیک از منظر فقه
- آزادی ارتباطات دیپلماتیک و مصونیت اسناد آرشیوها
- گزارش: صلاحیت دادسرا و دادگاههای عمومی و مصونیت قضایی دیپلماتیک و کنسولی
- مصونیت قضائی در حقوق جزائی فرانسه
- بررسی ادلة فقهی مصونیت دیپلماتیک در کشور اسلامی



مصونیت جزائی دیپلماتیک

مهدی مؤمنی^(۱)

مقدمه

«حقوق» به تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها می‌پردازد. روابط اجتماعی قلمرو وسیعی از رفتارهای بشر را در برمی‌گیرد. روابط ساده خانوادگی، معاملات تجاری، استخدامی و سیاسی میان اتباع یک دولت از یک سو، و با دولت متبوع از سوی دیگر، دسته‌ای از رشته‌های حقوقی را تشکیل می‌دهد. روابط حقوقی داخلی به علت وجود قدرت برتر سیاسی کشور - یعنی حاکمیت در درون قلمرو یک دولت - به راحتی قابل تنظیم است. اما هنگامی که رابطه حقوقی از مرزهای سیاسی یک کشور فراتر می‌رود و رابطه‌ای با عوامل خارجی مانند اشخاص یا اموال یا قوانین یا دادگاه‌های خارجی ایجاد می‌شود، تنظیم آن به دلیل ارتباط با بیش از یک حاکمیت سیاسی دشوار می‌نماید. از جمله این روابط خارجی، مناسبات دیپلماتیک است. کشورهای دنیا از یک سو، ناچار به تعامل و ارتباط متقابل هستند و از سوی دیگر، خواهان آن هستند که تا سرحد امکان، اقتدار سیاسی و برتری حاکمیت دولت خویش را حفظ نمایند. بی‌تردید، جمع این دو خواسته همیشه آسان نیست، به ویژه آنکه حقوق جزای یک کشور نماد اقتدار و حاکمیت دولت آن محسوب می‌گردد. همان‌گونه که نمایندگان سیاسی و دیپلمات‌ها نیز نماد حاکمیت دولت متبوع خود هستند.

این مقاله بر آن است که با بررسی مقررات حقوق جزای بین‌الملل و فقه اسلامی و حقوق ایران به بررسی تطبیقی و همه‌جانبه راجع به موضوع «مصونیت جزایی مقامات خارجی» بپردازد. در بخش اول از حیث مقررات موجود در حقوق جزای بین‌الملل، و در بخش دوم از دیدگاه فقه اسلامی (اعم از تشیع و تسنن) و در بخش سوم از منظر نظام حقوقی ایران، موضوع مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بخش اول. حقوق جزای بین الملل

محور این بحث «مصونیت جزایی بیگانگان، مقامات خارجی و کشتی‌ها و هواپیماها و سفارت‌خانه‌های خارجی» است که در ذیل آن، مقررات حقوق جزای بین‌المللی در خصوص هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرد:

یک. مقامات خارجی

الف. مبانی حقوقی قضیه

از گذشته تا کنون، مصونیت مقامات سیاسی خارجی مورد قبول و پذیرش همه دولت‌ها بوده است.

سیسرون، حقوقدان رم، معتقد بود: مصونیت سفرا هم ریشه در حقوق بشری دارد و هم حقوق الهی. احترام سفیر در کشور خارجی اگرچه دشمن باشد، باید رعایت گردد. متسکیو معتقد بود: سفیر یک کشور نماینده پادشاه و حاکمیت ملی آن کشور است و باید آزادی و احترام او را رعایت نمود.

گذشته از این، وجود مأموریت سیاسی ایجاب می‌کند که مأموران سیاسی خارجی مصون از تعقیب و توقیف بوده و حتی خانه، خانواده و محل کارشان نیز از تعرض در امان باشد.

گروسیوس معتقد بود: علاوه بر نماینده سیاسی، سفارت‌خانه نیز باید از تعرض مصون باشد و حتی اگر کسی به آنجا پناهنده شد، تحویل وی در چارچوب رعایت مقررات مربوط به استرداد مجرمان باشد.^(۲)

البته امروزه نظریه «برون مرزی»، که به موجب آن، سفیر اگرچه خارج از قلمرو قدرت قانونی کشور محل مأموریت قرار دارد، ولی مانند آن است که در کشور متبوع خویش قرار دارد، در عرف بین‌الملل مردود شناخته شده؛ زیرا ایراداتی بر آن وارد است؛ از جمله اینکه:

۱. جرایم ارتكابی در منزل سفیر یا سفارت‌خانه، به ناچار در صلاحیت سفیر قرار گرفته، خود وی باید قاضی و مجری قانون دولت متبوعش باشد.

۲. تحویل مجرمان پناهنده به منزل یا سفارت‌خانه باید تابع تشریفات استرداد باشد.

۳. اطفال متولد از پدر و مادر تبعه کشور محل مأموریت (مانند کارکنان بومی) در منزل سفیر یا سفارت‌خانه تبعه دولت متبوع، سفیر محسوب می‌شوند.

۴. مصونیت شخصی دیپلمات در بیرون از منزل و سفارت‌خانه با اصل برون مرزی تطبیق پیدا نمی‌کند.

علاوه بر این، نتایج نامطلوب رویه و عرف بین‌الملل نیز با این فرضیه مخالفت دارد.^(۳)

فرضیه‌ای که امروزه مبانی مصونیت دیپلماتیک است،

نظریه «مصلحت خدمت» است؛ بدین معنا که سفیر در خارج از سرزمین محل خدمت خود فرض می‌شود، اما از استقلال و تمام حقوقی که برای پیشرفت کار او لازم است - مانند آزادی و ایمنی از تعرض و تعقیب قانون کشور محل مأموریت - برخوردار است؛ زیرا برای مصلحت و پیشرفت کار او، ضروری به شمار می‌آید.

این نظریه به طور صریح، مورد پذیرش عهدنامه وین ۱۹۶۱ واقع شده است. در مقدمه این عهدنامه آمده است: «با اطمینان به اینکه مصونیت‌ها و مزایا برای دادن امتیاز به اشخاص نیست، بلکه به منظور انجام وظایف مأموریت‌های دیپلماتیک به طور مؤثر به عنوان نمایندگان دولت است...» بنابراین، ضمن تطبیق این نظریه با واقعیت، مصونیت شخص دیپلمات در بیرون از منزل و سفارت‌خانه - اگرچه با اصل «برون مرزی» قابل توجیه نیست - توجیه می‌شود و خانواده سفیر را نیز در برمی‌گیرد.

قاعده «مصونیت محل مأموریت دیپلمات»، منزل و خانواده او را در برمی‌گیرد. مصونیت دیپلماتیک به دو نوع کلی تقسیم می‌شود: یکی مصونیت از تعرض و دیگری مصونیت قضائی. منظور از «مصونیت تعرض» غیرقابل نقض بودن حرمت و حقوق منزل و محل کار شخص سفیر است. عدم ورود بدون اجازه به محل سکونت و کار وی، عدم نقض حقوق و آزادی‌های وی، و حرمت سفارت‌خانه و شخص دیپلمات و منزل وی به وسیله قانون داخلی قابل نقض نیست و این امر در ماده ۲۲ عهدنامه وین ۱۹۶۱ به طور مطلق پذیرفته شده است:

۱. اماکن مأموریت مصونیت دارند و مأموران دولت پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت.

۲. دولت پذیرنده بخصوص وظیفه دارد تمام تدابیر لازم را برای تأمین اماکن مأموریت از تجاوز و خسارت و حفظ آرامش و جلوگیری از تزلزل آن اتخاذ نماید.

۳. اماکن مأموریت و اسباب و اثاث و دیگر اشیای موجود در آن و همچنین وسایل نقلیه مأموریت از تفتیش و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرایی مصون خواهد بود.

مصونیت از تعرض شامل مصونیت محل کار دیپلمات و مصونیت شخص وی و خانواده‌اش و دیگر مأموران دیپلماتیک می‌شود.^(۴)

ماده ۲۹ عهدنامه وین می‌گوید: «مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد تعقیب و بازداشت قرار داد. کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه، که در شأن اوست، خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخصیت و حیثیت و آزادی او اتخاذ خواهد کرد. نوع دیگر

امور خارجه اعلام می‌کند تا به اطلاع سفیر برسد و از تکرار اقدامات مشابه جلوگیری شود، و در صورتی که جرم شدید باشد متهم را به کشور خود بفرستد.

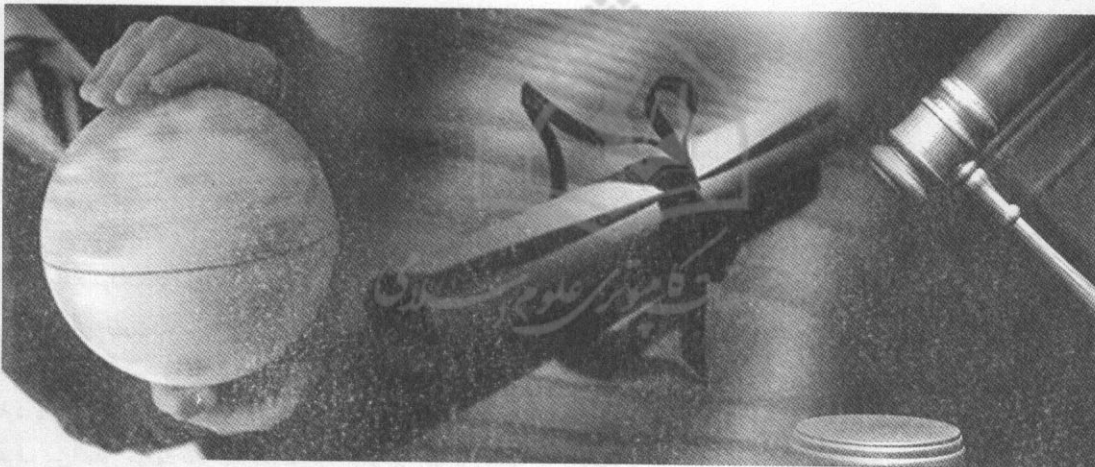
مصونیت جزائی، تمامی جرایم از هر نوع را در برمی‌گیرد، حتی در صورت ارائه اوراق هویت توسط دیپلمات، پلیس حق اخذ جریمه و ابلاغ اخطار به وی را نیز ندارد.^(۸) البته باید توجه داشت دولت پذیرنده می‌تواند اقدامات احتیاطی به عمل آورد؛^(۹) مثلاً، مانع وقوع جرم شود یا از ضرر بیشتر جلوگیری نماید.

در موارد قطع رابطه سیاسی بین دو کشور، باید توجه داشت که مصونیت دیپلماتیک یکباره قطع نمی‌گردد. دولت پذیرنده مکلف است تعهدات مقرر در عهدنامه وین را تا زمانی که دیپلمات‌های خارجی در آن کشور هستند، رعایت نماید. البته این مدت نامحدود نیست و تا زمانی که برای خروج دیپلمات‌ها مقرر شده یا ممکن باشد، ادامه دارد. این مقررات در خصوص خانواده دیپلمات‌ها نیز جاری است. (ماده ۴۵)^(۱۰)

مصونیت‌های دیپلماتیک مصونیت قضائی است. منظور از "قضائی" آن است که مأموران دیپلماتیک از حیطة قدرت اجرائی قانون کشور محل مأموریت خارج هستند و نمایندگان یک دولت خارجی را که تحت عنوان دیپلماتیک و سیاسی قرار دارند، نمی‌توان در دادگاه‌های جزائی داخلی محاکمه نمود؛ زیرا - علاوه بر توجیهاتی که پیش‌تر بیان شد - این امر صدمه شدید به قدرت حاکمیت دولت متبوع مقام سیاسی خارجی وارد می‌کند.^(۵)

مصونیت قضائی شامل مصونیت جزائی و مصونیت مدنی می‌گردد. البته مصونیت مدنی به طور کامل و مطلق پذیرفته نیست. دعاوی مربوط به فعالیت آزاد دیپلماتیک مثل اشتغال به کارهای بازرگانی در محل مأموریت از دایره مصونیت قضائی خارج است. اما مصونیت جزائی به صورت مطلق پذیرفته شده است. مقامات پلیسی و قضائی داخلی حق تعقیب و محاکمه دیپلمات را ندارند.^(۶)

ماده ۳۱ تصریح می‌کند: «مأمور دیپلماتیک در دولت



ب. دارندگان مصونیت سیاسی

۱. مأموریت دیپلماتیک: در ماده ۲۹، مصونیت از تعرض دیپلمات و در ماده ۳۱ مصونیت تعقیب جزائی مأمور دیپلمات بیان شده است. در ماده ۳۷ عهدنامه وین، سایر اشخاصی که از مصونیت جزائی برخوردارند، ذکر شده است. بنابراین، اشخاص بیگانه، که مصونیت سیاسی و به تبع آن، مصونیت جزائی دارند، عبارتند از:

۱. مأمور دیپلمات: بند (ه) ماده ۱ می‌گوید: اصطلاح «مأمور دیپلماتیک» یعنی: رئیس مأموریت یا یکی از کارمندان دیپلماتیک مأموریت.

۲. بستگان مأمور دیپلماتیک که اهل خانه او هستند، مشروط به اینکه تبعه دولت پذیرنده نباشند.

۳. کارمندان اداری و حتی مأموریت و بستگان اهل خانه آنها مشروط به اینکه تبعه دولت محلی یا مقیم دائمی آن کشور نباشند.

پذیرنده، از مصونیت تعقیب جزائی برخوردار است.»

علاوه بر دیپلمات، بستگان وی نیز به شرط آنکه تبعه دولت پذیرنده نباشند، از مصونیت قضائی و مصونیت از تعرض برخوردارند. بنابراین، مصونیت جزائی نیز دارند. منظور از «بستگان دیپلمات» کسانی هستند که داخل خانه دیپلمات باشند. البته باید توجه داشت که «مصونیت جزائی در برابر قانون کشور پذیرنده» به معنای عدم مسئولیت کیفری نیست.

ماده ۳۱ وین، بند ۴ در این خصوص صراحت دارد: «مصونیت قضائی مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده او را از تعقیب دولت فرستنده معاف نخواهد داشت.»

بنابراین، تعقیب و مجازات مأمور سیاسی تنها از سوی دولت متبوع وی امکان پذیر است. دولت محلی حق شکایت به دولت متبوع سیاسی را دارد.^(۷)

در این موارد، مقامات قضائی یا پلیس موضوع را به وزارت

۴. خدمه مأموریت به شرط آنکه تبعه دولت محلی یا مقیم دایم آن دولت نباشند.

بند (ز) ماده ۱ در تعریف «خدمه» می‌گوید: آن دسته از کارکنان مأموریت که به امور خانگی اشتغال دارند.

۵. خدمت‌کاران شخصی به شرط آنکه دولت مصونیت جزائی آنها را بپذیرد. بنابراین، در خصوص این گروه، دولت محلی می‌تواند اعمال حاکمیت نماید. البته اعمال حاکمیت باید به گونه‌ای باشد که مانع انجام وظایف آنها نگردد. (بند ۲ ماده ۳۷) بند (ح) ماده ۱ «خدمت‌کار شخصی» را این‌گونه تعریف می‌کند: کسانی که خادم یکی از اعضای مأموریت بوده و مستخدم دولت فرستنده نیستند.

نکته‌ای که لازم به ذکر است این‌که آیا مصونیت سیاسی قابل انصراف است یا خیر؟ به دلیل آنکه مصونیت دیپلمات به خاطر سمتی است که دارد و در واقع، مصونیت امری است مربوط به دولت متبوع او، نه شخص خودش، انصراف از مصونیت سیاسی جایز نیست، مگر آنکه موافقت دولت متبوع خود را جلب نماید. بنابراین، اگر دیپلمات برای دفاع به دادگاه برود باید موافقت دولت خود را، که توسط سفیر اظهار می‌شود، ارائه دهد و در غیر این صورت، دادگاه توجهی به اظهارات او نخواهد کرد.

۲. کنسول‌ها: امور کنسولی جنبه اداری دارند و حفظ منافع اتباع دولت در خارج و اداره نمودن امور مربوط به آنها را، که از وظایف اداری دولت است، شامل می‌گردد. (۱۱) مأموران کنسولی از دو مصونیت برخوردارند:

۱. مصونیت از تعرض: شامل مصونیت اماکن کنسولی، مصونیت محل سکونت رئیس پست کنسولی، مصونیت اسناد و نوشته‌های رسمی و غیررسمی کنسولی و نیز مراسلات و ارتباطات رسمی کنسولی و مصونیت شخصی کنسول و همراهان و خانواده وی و پیک کنسولی است. (۱۲)

۲. مصونیت قضائی: مصونیت مأموران کنسولی به وسعت و گستردگی مأموران دیپلماتیک نیست، بلکه محدودتر است. «مصونیت قضائی» شامل مصونیت جزائی و مصونیت مدنی است. مأموران کنسولی تنها در دعاوی مدنی ناشی از اعمال رسمی کنسولی و اماکن کنسولی، مصونیت مدنی دارند. حتی اگر دعاوی راجع به قرارداد مأمور کنسولی به منظور عملیات مربوط به پست کنسولی بدون ذکر نمایندگان از طرف دولت متبوعش صورت گرفته باشد، و نیز در دعوی خسارت شخص ثالث ناشی از تصادف وسیله نقلیه مصونیت مدنی ندارند. (ماده ۴۳ وین ۱۹۶۳) مصونیت جزائی مأموران کنسولی نیز محدودتر از مصونیت جزائی مأموران دیپلماتیک است. مأموران کنسولی به صورت کامل و مطلق، از تعقیب جزائی مصونیت ندارند، به گونه‌ای که هنگام تعقیب جزائی، باید نزد مراجع ذیصلاح دولت پذیرنده

حاضر شوند. البته از مزایایی همچون رعایت احترام و برخورداری از رفتاری مطابق با شأنشان برخوردار می‌باشند. مصونیت جزائی مأمور کنسولی صرفاً تا حدی است که مستقیماً به وظایف رسمی او مربوط باشد.

۳. سایر مقامات بین‌المللی: علاوه بر مأموران دیپلماتیک و مأموران کنسولی، عده‌ای دیگر از مقامات بین‌المللی نیز از مصونیت‌های سیاسی برخوردارند. اینان عبارتند از:

۱. نمایندگان دولت‌ها در سازمان ملل متحد؛
۲. اعضای سایر سازمان‌های بین‌المللی؛
۳. قضات دیوان بین‌المللی دادگستری؛
۴. کارمندان سازمان‌های بین‌المللی (کارمندان بین‌المللی)؛
۵. سایر کسانی که دارای گذرنامه سیاسی و ویزای (روادید) سیاسی باشند. (۱۳)

شخص پاپ از امتیازات و مصونیت‌های پادشاهان و رؤسای ممالک برخوردار است. (۱۴)

دو. کشتی‌های خارجی

الف. کشتی‌های خارجی خصوصی

محاکم جزائی هر کشوری صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی کشتی‌های خصوصی خارجی در آب‌های داخلی آن کشور را دارند. این اصل به طور کامل مورد تأیید حقوقدانان است و طبق قطع‌نامه ۱۹۲۳ استکهلم توسط مؤسسه حقوقی بین‌الملل مورد تأیید واقع شده است. البته نکته‌ای که باید متذکر شد این است که رسیدگی به تخلفات انضباطی از این اصل مستثنا بوده و در صلاحیت کشور صاحب پرچم کشتی است.

همچنین کشور ساحلی حق اعمال حاکمیت کامل پلیس قضائی خود را نسبت به کشتی خصوصی خارجی در آب‌های داخلی دارد. بنابراین، فرار مجرم به داخل کشتی خارجی پناهندگی محسوب نمی‌شود و در نتیجه، مشمول مقررات مربوط به استرداد مجرمان نمی‌گردد.

ب. کشتی‌های خارجی جنگی

در مورد کشتی‌های جنگی، کشور ساحلی حق رسیدگی ندارد، مگر در مواردی که مجرم و مجنی علیه جزو کارکنان کشتی نباشد که در این صورت، کشور ساحلی حق رسیدگی دارد و ناخدای کشتی باید مجرم را به مقامات محلی تسلیم نماید. نیز اگر جرم ارتكابی در خارج از کشتی صورت گرفته و مربوط به خدمات عمومی کشتی نباشد، کشور ساحلی صلاحیت رسیدگی دارد. البته باید توجه داشت در این موارد استثنائی نیز پلیس حق اعمال قدرت در داخل کشتی جنگی خارجی را ندارد. پناهندگی در کشتی جنگی خارجی امکان‌پذیر است و

ناخدای کشتی می‌تواند تحویل مجرم را به اقدام سیاسی برای استرداد منوط نماید.

ج. کشتی‌های خارجی غیرجنگی دولتی

کشتی‌های دولتی غیرجنگی - که به امور گمرکی، بهداشتی، انتظامی، پستی اشتغال دارند - از مصونیت جزائی کشتی‌های جنگی برخوردار نیستند؛ تنها از توقیف و ضبط توسط دولت ساحلی در امان هستند. بر اساس قرار داد بروکسل (۱۹۲۴)، کشور صاحب پرچم کشتی، صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعاوی ناشی از تصادم (حوادث دریایی)، معاونت، نجات کشتی، خسارات مشترک، جبران خسارات و ملزومات قراردادهای را دارد.

کشتی‌های صنعتی و بازرگانی دولتی در حکم کشتی‌های خصوصی هستند. (۱۵)

در خصوص صلاحیت محاکم جزائی داخلی نسبت به جرایم ارتكابی در دریای ساحلی، باید گفت: ماده ۱۹ قرارداد ژنو (۱۹۵۸) و نیز مواد ۲۱ و ۲۷ قرارداد حقوق دریاهای (۱۹۸۲)، صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی در کشتی خارجی در حال عبور از دریای ساحلی را به دولت صاحب پرچم داده است.

کشورهای گوناگون در نصوص قانونی خود، این اصل را پذیرفته‌اند؛ از جمله کشور لبنان که در ماده ۱۸ قانون مجازات به طور صریح این امر را پذیرفته است: «لإنّ الشریعة اللبنائیة لا تطبق علی الجرائم التي ترتكب علی ظهر سفینة اجنبیة عند عبورها البحر الاقلمی اللبنائی فیما اذا لم تجاوز سفیر السفینة». (۱۶)

قانون لبنان در مورد جرایمی که در کشتی خارجی هنگام عبور از دریای سرزمینی لبنان ارتکاب یابد اعمال نمی‌گردد، البته مشروط به اینکه آثار و نتایج جرم به خارج کشتی (کشور ساحلی) سرایت نکند.

اما این اصل کلی در مواردی استثنا می‌خورد. این موارد در بند یک ماده ۱۹ قرارداد ۱۹۸۵ ژنو بیان گردیده است:

۱. هنگامی که نتایج و آثار جرم در کشور ساحلی تأثیر بگذارد.
۲. هنگامی که جرم آرامش عمومی کشور ساحلی یا نظم دریایی سرزمینی را مختل نماید.

۳. هنگامی که ناخدای کشتی یا کنسول دولت صاحب پرچم کشتی از مقامات کشور ساحلی درخواست کمک نماید.

۴. هنگامی که برای ممانعت از معامله غیرمجاز مواد مخدر اقداماتی لازم باشد.

بر اساس بند ۱ ماده ۱۹ قرارداد مزبور توقّف و بازرسی کشتی و بازرجویی سرنشینان و توقیف هر یک از آنها در صورتی

که مبدأ حرکت کشتی آب‌های داخلی بوده باشد، به استناد قوانین سرزمینی جایز است. نکته قابل ذکر در این خصوص آن است که با توجه به اصل آزادی کشتی‌رانی، کمیسیون حقوق بین‌الملل از دولت‌ها خواسته است اقدام دولت ساحلی برای توقیف افرادی که هنگام عبور کشتی از دریای ساحلی در آن کشتی هستند، مستند به علت موجه و محکمی باشد. بنابراین، متوقف نمودن کشتی برای توقیف شخص مرتکب جرم کم‌اهمیت، موجه نیست.

بر اساس بند ۵ ماده ۱۹ قرارداد ژنو (۱۹۵۸) در صورت وقوع جرم پیش از اینکه کشتی خارجی به آب‌های ساحلی برسد، دولت صلاحیت رسیدگی به جرم را ندارد. (۱۷)

در خصوص کشتی‌های جنگی خارجی در حال عبور از دریای ساحلی، باید بر اساس ماده ۳۰ قرارداد ۱۹۸۲ حقوق دریاهای گفت: دولت ساحلی هیچ‌گونه صلاحیتی ندارد و در صورت عدم رعایت قوانین دولت ساحلی توسط کشتی خارجی، مقامات محلی حق درخواست خروج آنها از دریای ساحلی را دارند.

سه. هواپیماهای خارجی

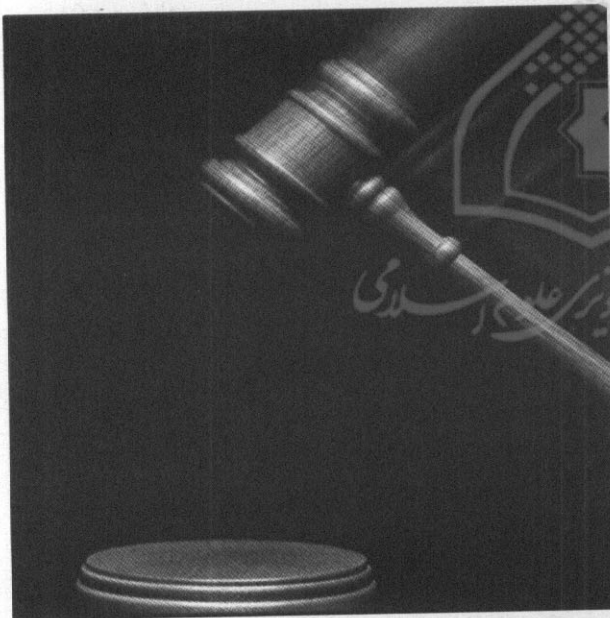
اصولاً صلاحیت رسیدگی به جرایم داخلی هواپیمای خارجی در حال پرواز بر فراز قلمرو هوایی کشور دیگر بر اساس قرارداد ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ توکیو با کشوری است که هواپیما در آنجا به ثبت رسیده. (۱۸) با وجود این، بر اساس اصل «صلاحیت سرزمینی»، دولتی که هواپیما در قلمرو آن پرواز می‌کند نیز صلاحیت دارد. بنابراین، در مورد هواپیماهای خارجی، صلاحیت همزمان مطرح است. البته کشور محل پرواز در برخی موارد، صالح به رسیدگی است.

کشورها با تصویب قوانین خاص اعمال صلاحیت می‌کنند؛ مثلاً کشور فرانسه به طور کلی، اصل صلاحیت دولت صاحب پرچم هواپیما را پذیرفته است. قانون ۳۱ مه ۱۹۲۴ می‌گوید: در روابط حقوقی، که بین افراد درون یک هواپیمای خارجی در حال پرواز ایجاد می‌شود، در مواردی که قانون سرزمینی ذی‌صلاحیت باشد، بر طبق قانون پرچم همان هواپیما، موضوع حل و فصل خواهد شد. (۱۹) اما در موارد استثنائی، قانون فرانسه را صلاحیت‌دار می‌داند.

به موجب ماده ۱۰ قوانین هوایی ۳۱ مه ۱۹۲۴، در جرایمی که در یک هواپیمای فرانسوی یا یک هواپیمای خارجی به وقوع می‌پیوندد، مشروط به اینکه مجرم و یا مجنی علیه آن دارای ملیت فرانسه باشد و یا پس از ارتکاب جنایت یا جنحه در خاک فرانسه فرود آید، تابع قانون فرانسه است. قانون مزبور بین هواپیمای نظامی و خصوصی فرقی قایل نشده است. (۲۰)

دامنه‌اش تنگ می‌شود، هنگامی که وجود مسئولیت کیفری منوط به احراز امور مدنی و شخص مرتکب تبعه خارجی باشد، باید قوانین دولت متبوع وی مدنظر قرار گیرد؛ زیرا بر اساس مقررات و قوانین مدنی در خصوص موضوع، باید تصمیم به وجود یا عدم مسئولیت کیفری شخص مورد نظر گرفت.

پروفسور وابر به این مسئله مهم توجه نموده، بیان می‌دارد: اگر مقدمه اعلام مجازات بستگی به برخی ملاحظات مدنی داشته باشد - مانند مسائل مربوط به روابط خویشاوندی - اعمال قانون متبوع اصحاب دعوی در این خصوص لازم است. برای مثال، هنگامی که یک فرد خارجی به اتهام زنا یا تعدد زوجات مورد تعقیب واقع می‌شود، دادگاه جزائی باید در خصوص صحت اتهام، یعنی مشروعیت یا عدم مشروعیت رابطه، که نقش اساسی در تحقق جرم دارد، به تحقیق بپردازد و در این خصوص، بر اساس اصول حقوق بین‌الملل خصوصی، باید به قانون متبوع متهم مراجعه نماید. (۲۷)



بخش دوم. فقه اسلامی

اعمال حاکمیت جزائی و توسعه صلاحیت تقنینی و صلاحیت قضائی بر تمام سرزمین‌های اسلامی از ویژگی‌های اولیه قلمرو مکانی قواعد جزائی اسلام است. در خصوص صلاحیت محاکم اسلام نسبت به برخی جرایم اهل ذمه، که ضرر چندانی به نظم عمومی جامعه اسلامی وارد نمی‌سازد، فقها قایل به تخییر در رسیدگی توسط محاکم اسلامی شده‌اند. بدین روی - مثلاً - هرگاه ذمی با ذمی دیگر مرتکب زنا یا لواط شود حاکم اسلامی مخیر به اقامه حد و یا احاله دعوی به محاکم مذهبی آنهاست. (۲۸)

البته راه اول - یعنی اعمال صلاحیت تقنینی و قضائی

البته باید توجه داشت در خصوص هواپیمای نظامی خارجی، ماده ۳۲ قرارداد ۱۹۲۹ هواپیماهای نظامی را، که اجازه پرواز بر فراز خاک کشوری دیگر و فرود داشته، در حکم کشتی‌های جنگی خارجی دانسته است. (۲۱)

جندی عبدالمالک حقوقدان مصری، می‌گوید: کشور مصر نص قانونی خاصی در این باره ندارد. تنها در ماده اول قانون ۵۷ سال ۱۹۳۵ آمده است: «دولت حاکمیت مطلق بر فضای بالای سرزمین دارد.» که نتیجه گیری می‌شود دادگاه‌های مصر صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی در فضای بالای سرزمین مصر را دارند و در صورتی که هواپیما بر فراز دریای آزاد پرواز نماید صلاحیت با دولت صاحب پرچم هواپیماست. (۲۲)

کشور لبنان نیز رویه کشور فرانسه را پذیرفته است. ماده ۱۸ قانون «مجازات» لبنان می‌گوید: قانون لبنان بر جرایم ارتكابی داخل هواپیمای خارجی در حال پرواز بر فراز لبنان به شرط عدم تسری جرم به خارج از هواپیما اعمال نمی‌گردد. جرایمی که آثار لبنانی باشد، یا هواپیما پس از وقوع جرم در لبنان فرود آید، تابع قانون لبنان است. (۲۳)

چهار. نظامیان خارجی

اصولاً نظامیان یک کشور نمایندگان قدرت و حاکمیت دولت متبوع خویش هستند و به همین دلیل، هیچ دولتی اجازه محاکمه نظامیان خود را به دولت دیگر نمی‌دهد. نظامیان خارجی در حین عبور با کسب مجوز از دولت محلی در صورت ارتكاب جرم از تعقیب توسط دولت سرزمینی معاف هستند. (۲۴)

همین طور است هنگامی که در حال اشغال جنگی در کشور دیگر به سر می‌برند. (۲۵)

بنابراین، نظامیان خارجی که کشوری رابه صورت صلح‌جویانه یا جنگی اشغال نموده باشند قابل تعقیب و مجازات در آن کشور نخواهند بود. (۲۶)

پنج. جرایم مرتبط با حقوق مدنی

استثنائی که کمتر مورد علاقه حقوق دانان قرار گرفته موردی است که جرم ارتكابی ارتباط تنگاتنگی با قوانین و مقررات مدنی داشته باشد که در این صورت، دامنه صلاحیت تقنینی دولت دچار محدودیت می‌گردد و این امر بر صلاحیت قضائی محاکم جزائی آن مؤثر واقع می‌شود.

همان‌گونه که پیش تر ذکر شد، اصل «صلاحیت سرزمینی» نتیجه صلاحیت تقنینی و صلاحیت قضائی به شکل سرزمینی را در پی دارد، اما در چنین مواردی، این اطلاق مقید شده،

محاکم اسلامی - مورد عمل قرار گرفته و ترجیح داده شده است. بنابراین، به طور اساسی، جرایم ذمیان تحت شمول قواعد جزائی اسلام است. (۲۹)

در خصوص اعمال اصل «صلاحیت سرزمینی قواعد جزائی اسلامی»، فقهای اسلام دارای اتفاق نظرند. تنها ابوحنیفه نظری خاص در این باب ارائه داده است. نظریات فقها در این باب ذکر خواهد شد:

یک. پذیرش مطلق اصل «صلاحیت سرزمینی»

الف. نظریه ابویوسف

ابویوسف معتقد است: قواعد جزائی اسلامی در تمام اقامت‌کنندگان دارالاسلام جریان پیدا کرده، اجرا می‌شود. در این باره، تفاوتی بین مسلم و ذمی وجود ندارد. اهل ذمه با انعقاد پیمان ذمه حاکمیت احکام اسلام و التزام به قوانین آن را می‌پذیرند و تخلف از آن موجب به کارگیری ضمانت‌های کیفری خواهد بود.

مستأمنین نیز در حکم ذمیان هستند؛ یعنی قواعد جزائی اسلام در خصوص اینان هم به اجرا درمی‌آید و از این حیث، تفاوتی بین آنها و اهل ذمه نیست. اقامه مستأمنین در اثر عقد امان موقت است، در حالی که اهل ذمه اقامت‌گزیدگان دائمی دارالاسلام هستند. اما این امر - یعنی دائمی یا موقت بودن - در حکم مسئله مؤثر نیست و مستأمنین را از شمول قواعد جزائی اسلام خارج نمی‌سازد. بنابراین نظریه، تمام سکنه دارالاسلام تحت شمول قواعد جزائی اسلامی هستند. نوع اقامت آنها و نیز اختلاف ادیان موجب هیچ تمایزی نمی‌گردد و در نتیجه، تمامی جرایم ارتكابی در دارالاسلام، اعم از جرایم مربوط به حقوق عمومی و حقوق فردی، را شامل می‌گردد. (۳۰)

بنا به نظریه ابویوسف، مخاطب احکام جزائی اسلامی تمام سکنه دارالاسلام هستند. از این رو، شریعت اسلامی برای زنا حد جلد تعیین کرده و تفاوتی بین مؤمن و کافر قایل نگردیده است. (۳۱)

ب. نظریه جمهور فقهای اهل سنت

شافعی و مالکی و احمد حنبل نیز به طور مطلق اصل «صلاحیت سرزمینی قواعد جزائی اسلامی» را مورد پذیرش قرار داده‌اند. این دسته از فقهای اهل سنت با ابویوسف، از فقهای حنفیه، در شمول قواعد جزائی اسلام بر تمامی مرتکبان جرایم داخل دارالاسلام هم عقیده‌اند، اعم از اینکه اقامت آنها دائمی و یا موقت باشد؛ زیرا رعایت احکام اسلامی برای مسلمان به تبع مسلم بودن و برای ذمی به خاطر عقد ذمه و برای مستأمن به خاطر عقد امان لازم است. مستأمن در حکم

ذمی است. البته ابویوسف با این دسته از فقها در باب صلاحیت برون‌مرزی اختلاف نظر دارد. (در مبحث مربوط بیان خواهد شد.)

ج. نظریه شیعه

شیخ طوسی در المبسوط، قواعد جزائی اسلام را قابل اعمال بر تمام سکنه دارالاسلام می‌داند؛ مسلمان، ذمی و مستأمن مشمول قوانین و مقررات جزائی اسلام هستند. البته در خصوص ذمی و مستأمن - همان‌گونه که در شرایط پیمان ذمه بیان شد - تنها در صورتی که تجاهر به اعمالی که مطابق شریعت اسلامی جرم است، هرچند بر اساس مذهب آنها مباح باشد، بر اساس قواعد جزائی اسلامی مورد تعقیب محاکم و مجازات قرار خواهند گرفت. شیخ الطائفه تمام جرایم ارتكابی از سوی اهل ذمه و مستأمنین در دارالاسلام، اعم از حق الله و حق الناس، را مشمول صلاحیت محاکم اسلامی می‌داند. (۳۲)

بنابراین، فقه شیعه نیز تفاوتی بین اهل ذمه و مستأمنین قایل نشده و همه جرایم آنها را مشمول قواعد جزائی اسلام می‌داند. البته تظاهر، در اعمالی که تنها مطابق قوانین جزائی اسلام ممنوع باشد، شرط است. در مورد سایر جرایم، آنها در حکم مسلمان بوده، تحت شمول صلاحیت تقنینی و قضائی اسلام هستند. (۳۳)

دو. پذیرش محدود اصل صلاحیت سرزمینی

در بین فقها، ابوحنیفه «صلاحیت سرزمینی» را به طور مطلق، مورد پذیرش قرار نداده است. از دیدگاه وی، قواعد و مقررات جزائی اسلام در مورد تمام سکنه دارالاسلام اعمال نمی‌گردد. اعتقاد ابوحنیفه بر آن است که صلاحیت تقنینی و قضائی اسلامی تنها در مورد مسلمانان و اهل ذمه قابل اعمال است. مسلمان به تبع اعتقادش به اسلام، باید تابع احکام و مقررات جزائی اسلامی باشد. ذمی نیز با انعقاد عقد ذمه به طور دائم، التزام به احکام اسلامی را پذیرفته است. البته در خصوص جرم زنا، حد رجم را قابل اعمال نسبت به اهل ذمه نمی‌داند، زیرا به نظر وی، اسلام از جمله شرایط اجرای حد زنا می‌محضنه است. بنابراین، تنها بر مسلمانان قابل اعمال است. هرگاه اهل ذمه مرتکب چنین جرمی شوند محکوم به حد جلد می‌شوند. (۳۴)

اما در خصوص مستأمن، که به طور موقت در دارالاسلام اقامت‌گزیده است، نمی‌توان احکام شریعت اسلام را به طور مطلق اجرا نمود، بلکه صرفاً وی در خصوص جرایم مضر به حال افراد و نه جرایم عمومی و حق الله مورد تعقیب جزایی واقع خواهد شد.

بنابراین، در صورتی که مستأمن جرایم حق الله را مرتکب

گردد مورد تعقیب و مجازات قرار نخواهد گرفت. استدلال ابوحنیفه آن است که ورود مستأمن به دارالاسلام برای اقامت دایم نیست، بلکه برای تجارت یا پیام آوردن و یا صرف عبور و مرور است و نباید وی را ملتزم به تمام احکام اسلامی دانست، بلکه با توجه به هدف وی، باید صرفاً مستأمن را در جرایم حقوق الناس مسئول شمرد؛ زیرا وی مکلف است از آزار و اذیت افراد جامعه اسلامی خودداری نماید. بنابراین، در خصوص جرایمی مانند «قذف» و یا مستلزم قصاص، وی مشمول صلاحیت تقنینی و قضائی اسلامی می‌گردد، و در قبال ارتکاب جرم حق الله و حتی جرم سرقت، که جنبه حق الهی آن غلبه دارد، مورد تعقیب کیفری واقع نخواهد شد.^(۳۵)

بنابراین، ابوحنیفه اصل «صلاحیت سرزمینی» قواعد جزائی اسلامی را به طور اساسی می‌پذیرد و بر همین اساس، تمام مسلمانان در هر نقطه از سرزمین‌های اسلامی و نیز اهل ذمه را مشمول صلاحیت شریعت اسلامی می‌شمارد، اما معتقد است: اجرای تمامی احکام جزائی اسلام در خصوص مستأمن، که به خاطر حاجت و یا تفریح و یا صرف عبور از سرزمین‌های اسلامی در آنجا اقامت موقت دارند، تکلیفی خارج از طاق است آنهاست.

به نظر می‌رسد مبنای استدلال ایشان چهل مستأمن به احکام اسلامی است. از همین رو، نمی‌پذیرد مستأمن را ملتزم به تمام احکام اسلامی بدانیم. اما به دلیل آنکه مستأمن در حین اقامت موقت خود با ساکنان دارالاسلام مواجه می‌شود و در تعامل با آنها قرار می‌گیرد و نیز با توجه به اینکه عدم آزار و اذیت سکنه سرزمین‌های اسلامی شرط امان است، جرایم حق الناس ارتكابی از سوی وی را مشمول صلاحیت تقنینی و قضائی اسلام دانسته است.

در خصوص جرایم، فقهای اسلام، اعم از شیعه و اهل تسنن، قایل به تفکیک شده‌اند. بدین سان در مورد برخی جرایم که مطابق مذهب خودشان ممنوع است، اعمال صلاحیت تقنینی و قضائی اسلام را پذیرفته‌اند. اما در خصوص جرایمی که در مذهب آنها مباح است و تنها بر اساس شریعت اسلامی ممنوع است، قایل به عدم تسری قوانین جزائی اسلام شده‌اند، مگر آنکه تجاهر به فساد نمایند و از این رو، مجرم را قابل تعزیر می‌دانند.^(۳۶)

سه. ارتکاب جرم در پایگاه نظامی واقع در دارالحرب

جرایم ارتكابی در پایگاه نظامی ارتش اسلام واقع در دارالحرب به طور مطلق در حکم جرایم ارتكابی در دارالاسلام و از حیث صلاحیت قانونی و قضائی، تابع شریعت اسلامی است. البته

جرایم ارتكابی خارج از پایگاه نظامی به خاطر آنکه دولت اسلامی بر آن سرزمین‌ها حاکمیت ندارد، جرم ارتكابی در دارالحرب محسوب می‌شوند. (در بخش دوم مورد بحث قرار خواهد گرفت.) ابوحنیفه معتقد است: مجازات جرایم ارتكابی توسط نظامیان در پایگاه نظامی در حین جنگ تا زمان بازگشت به سرزمین‌های اسلامی، اجرا نمی‌گردد.^(۳۷)

البته برخی دیگر از فقها از جمله مالک، شافعی و احمد تفاوتی بین جرایم ارتكابی در پایگاه نظامی ارتش اسلام در دارالحرب و خارج از آن قایل نیستند. شافعی و مالک اجرای مجازات را موقوف به بازگشت آنها به دارالاسلام نمی‌دانند، مگر در موارد استثنائی مانند فقدان امیر لشکر. اما احمد مانند ابوحنیفه، معتقد به تأخیر اجرای حکم مجازات تا زمان بازگشت مجرم به تنهایی و یا به همراه سپاه اسلام به سرزمین‌های اسلامی است.^(۳۸)

علت عدم اجرای مجازات در دارالحرب و نیز هنگام جنگ، «ترس از پیوستن محکوم به دارالحرب» بیان شده است.^(۳۹) فقهای شیعه نیز اقامه حدود را به همین دلیل در دارالحرب جایز ندانسته و آن را موقوف به بازگشت به دارالاسلام نموده‌اند. البته در صورتی که امام علی^(علیه السلام) تسریع در اقامه حد را جایز بدانند، اقامه آن را در دارالحرب امکان‌پذیر شمرده‌اند. این نظر نیز از انتقاد مصون نمانده است. چنان‌که پیش‌تر ذکر شد - صاحب جواهر به اجرای حد در پایگاه نظامی ارتش اسلام در دارالحرب نظر دارد؛^(۴۰) زیرا اقامه حد واجب بوده و تعطیل و تأخیر آن ممنوع است.

چهار. فرار مجرم از دارالاسلام

فقه اسلامی فرار مجرم را از موارد سقوط مجازات نمی‌داند. بنابراین، در صورتی که مسلم، ذمی یا مستأمن پس از ارتکاب جرم به دارالحرب بگریزند، مسئولیت جزائی آنها به قوت خویش باقی است. البته ابوحنیفه صرفاً مسئولیت ناشی از جرایم حق الناس را برای مستأمن می‌پذیرد.^(۴۱)

اما سایر فقهای اهل سنت از جمله شافعی و احمد حنبل و مالک معتقدند: فرار مستأمن به طور مطلق، ساقط‌کننده مجازات نیست.^(۴۲) فقه شیعه نیز فرار را موجب سقوط مجازات نمی‌داند، بلکه با ارتکاب جرم، اجرای مجازات لازم می‌آید و در صورت دست‌یابی در مورد وی اجرا می‌گردد. این حکم نه تنها در مورد مسلمانان، بلکه در مورد اهل ذمه، که پس از ارتکاب جرم در دارالاسلام به دارالحرب فرار نمایند، جاری است.^(۴۳) البته در صورتی که اهل ذمه برای همیشه به دارالحرب فرار نمایند، در حکم حربی در خواهند آمد.

پنج. مصونیت دیپلماتیک در فقه اسلامی

بر اساس عرف بین‌المللی، مأموران دیپلماتیک از مصونیت جزائی در کشور محل مأموریت استفاده می‌کنند و در صورت ارتکاب جرم، در کشور متبوع خویش مورد تعقیب جزائی واقع می‌گردند. در خصوص مطابقت این مسئله با فقه اسلامی، باید بین مذاهب اسلامی قایل به تفصیل شد.

الف. پذیرش نسبی

کسی که در کشور اسلامی مسئول انجام مأموریت است و به طور موقت و به اذن دولت اسلامی وارد آنجا می‌شود، مستأمن محسوب می‌گردد. از دیدگاه ابوحنیفه، مستأمن ملتزم به تمام احکام اسلام نبوده، صرفاً در مورد جرایم حق الناس مورد تعقیب جزائی قرار خواهد گرفت. بنابراین، از دیدگاه وی، مصونیت سیاسی به طور محدود - یعنی در خصوص جرایم عمومی و حق الله - عملی می‌گردد.

ب. عدم پذیرش

همان‌گونه که ذکر شد، تمامی فقهای اهل سنت غیر از ابوحنیفه و همچنین فقهای شیعه ارتکاب جرایم از سوی مستأمن را مشمول صلاحیت تقنینی و قضائی اسلامی

مأموران سیاسی را در صورت ارتکاب جرم مجازات ننماید، مادام که قرارداد به قوت خویش باقی است، لازم است به آن عمل نماید. (۴۴)

همچنین در خصوص رعایت تشریفات برای تعقیب جزائی برخی صاحب‌منصبان حکومت مانند نمایندگان مجلس و دیگران، به دلیل آنکه این مسئله به معنای عدم مجازات شخص نیست و صرفاً برای جلوگیری از انتساب اتهامات ناروا و به منظور احتیاط صورت می‌گیرد، این امر با موازین اسلامی مغایرت نداشته و قابل اعمال است. (۴۵)

نکته قابل توجه آن است که مصونیت جزائی دیپلماتیک به نحوی که امروزه به موجب کنوانسیون ژنو پیش‌بینی گردیده، در منابع اولیه اسلامی مورد قانون‌گذاری قرار نگرفته است. البته از همان ابتدای کار حکومت اسلامی در عصر رسول خدا ﷺ سفرا دارای امتیازات ویژه‌ای بودند. برای مثال، سفرا از پرداخت عوارض ورود به سرزمین اسلامی به شرط عمل متقابل مستثنا بودند. (۴۶)

سفرا و فرستادگان ممکن بود فقط در موارد فوق‌العاده، بازداشت یا زندانی شوند. (۴۷)

فرستادگان به همراه افراد در معیت آنان، از مصونیت شخصی برخوردار بودند. نباید کشته می‌شدند و یا کسی



متعرض آنها می‌شد یا با آنها بدرفتاری می‌کرد. اگر سفیر یا همراهانش در کشور اسلامی مرتکب جرم می‌شدند رفتار ویژه‌ای با آنها صورت می‌گرفت که با افراد معمولی تفاوت داشت. پیامبر به سفیران پیامبران کذاب، که ادعای نبوت کرده بودند، فرمود: اگر سفیر نبودید می‌گفتم: سرتان را از تن جدا کنند. (۴۸)

آنچه نباید از نظر دور داشت توجه اسلام به عرف بین‌المللی، پای‌بندی به قراردادهای و منافع و مصالح مسلمانان است. قرآن در خصوص غیرمسلمانان این اجازه را به حکومت اسلامی داده است که قضاوت در خصوص آنها را علی‌الاصول به

می‌دانند. بنابراین، اصولاً جرایم ارتكابی از سوی مستأمن مطابق نظریه جمهور فقهای اسلامی، مشمول مصونیت نخواهد بود. البته باید توجه داشت جرایمی که در شریعت اسلامی منصوص هستند - یعنی در کتاب و سنت دارای عنوان مجرمانه می‌باشند - چنین حکمی دارند، اما جرایم قابل تعزیر را، که در کتاب و سنت مجازات آنها منصوص نیست، ابوزهره معتقد است: می‌توان بر اساس آیه شریفه ﴿أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء: ۳۴)، آنها را تابع پیمان قرار داد؛ زیرا این جرایم توسط حاکم اسلام مقرز می‌گردند. بنابراین، در صورتی که حکومت اسلامی بر اساس قرارداد، قبول نماید که

زمانی که حکومت اسلامی در مدینه تشکیل شد، یهودیان مدینه دارای نوعی «کنفدراتیو» (اتحادیه) بودند و با پذیرش ریاست عالی پیامبر ﷺ، استقلال قضائی خود را حفظ کردند. مطابق قواعد و موازین اسلامی، معاهدات دو یا چند جانبه برای طرفین الزام‌آور است، به طوری که رعایت آنها اجباری و همیشگی است. جنبه الزامی این قراردادها هرگز زایل شدنی نیست، مگر در حالت اضطرار غیرقابل اجتناب. ﴿قَدْ أَضْطَرُّوا غَيْرُ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾ (بقره: ۱۷۳)؛ هرکس به خاطر اضطرار بدون تعهدی و تجاوز، کاری انجام دهد گناهی بر او نیست. قاعده «الضروراتُ تُبيح المحظورات»، که ضرورت تام، حرام را تجویز می‌کند در همین زمینه است. اعمالی در اسلام وجود دارد که واجب نیست، بلکه از مستحبات است و اعمالی مباحند. الزامات منبعث از عرف و معاهدات از نظر قوانین اسلامی صرفاً بر آخرین دسته از اعمال فوق، معتبر شناخته می‌شود. معاهداتی که به لحاظ ضرورت تام مغایر با احکام شرع منعقد شده باشد صرفاً تا هنگامی که حالت اضطرار برقرار باشد، به اعتبار خود باقی خواهد ماند. پذیرش عرف مسلم توسط شریعت اسلامی امری رایج است. عرف و عادات مشروط به آنکه مغایر با احکام و آموزه‌های شرعی نباشد، یکی از منابع مشروع قواعد مربوط به رفتار ویژه مؤمنان است. (۵۰) بنابراین، پذیرش مصونیت جزائی دیپلماتیک بر اساس منافع مسلمانان، ضرورت ارتباط با دولت‌های غیر اسلامی، الزام‌آور بودن معاهدات، و اجازه حکومت اسلامی در واگذاری نوعی استقلال قضائی به بیگانگان استوار است. البته این‌ها به شرط آن است که بر اساس منافع امت اسلامی و به نحو متقابل باشد، و گرنه همان طرح «کاپیتولاسیون» و امتیازات یک طرفه برای بیگانگان است که به حکم قرآن ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً﴾ (نساء: ۱۴۱) منتفی و نامشروع است.

بخش سوم. حقوق ایران

در این قسمت، به تبیین موضوع بحث در نظام حقوقی جزائی ایران پرداخته می‌شود. پس از نگرش اصول حاکم بر قضیه در حقوق جزای بین‌الملل عرفی و نیز دیدگاه فقه اسلامی، می‌توان به تبیین بهتر نحوه موضع‌گیری نظام جزائی ایران، که از یک سو متأثر از حقوق عرفی و از سوی دیگر، نشأت گرفته از فقه اسلامی است، پرداخت.

یک. مقامات خارجی دارای مصونیت سیاسی

مقامات خارجی دارای مصونیت سیاسی از مصونیت جزائی برخوردارند و در صورت ارتکاب جرم، مشمول اعمال صلاحیت

قوانین جزائی و محاکم ایران نخواهند بود. نخستین مستندی که دارندگان مصونیت سیاسی را از تعقیب جزائی در ایران معاف کرد بخش نامه وزیر دادگستری وقت در سال ۱۳۰۷ خطاب به مراجع قضائی در زمینه رعایت مصونیت اعضای هیأت‌های سیاسی بر اساس نزاکت بین‌المللی بود. این بخش نامه، داسراها و دادگاه‌ها را از رسیدگی به جرائم مأموران سیاسی منع می‌کرد. پس از آن در سال ۱۳۱۰ مقرر ایرانی در ماده ۱۸ قانون ورود و خروج اتباع خارجه، مقامات سیاسی خارجی را از تعقیب جزائی در ایران معاف می‌کرد. (۵۱)

این اشخاص عبارت بودند از:

۱. کسانی که دارای مصونیت سیاسی هستند.

۲. مأموران کنسولی دولت‌های خارجی و افراد خانواده آنها که با هم در یک خانه زندگی می‌کنند و اعضای رسمی آنها (به شرط معامله متقابل).

۳. اعضای هیأت‌های اعزامی دولت‌های خارجی که با موافقت دولت ایران وارد ایران می‌شوند و کسان دیگری که دارای ویزای سیاسی مأموران ایران باشند.

تا آن زمان، تنها متن قانونی در مورد مصونیت سیاسی همین ماده بود. مقرر ایرانی در سال ۱۳۴۳ با تصویب قرارداد ۱۹۶۱ وین در مورد روابط دیپلماتیک، متن قرارداد مزبور را به صورت قانون داخلی درآورد. کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی ۲۴ آوریل ۱۹۶۳ به تصویب مجلس ایران رسید. مفاد این دو قرارداد پیش‌تر مورد بحث قرار گرفت.

در سال ۱۳۴۸ ماده واحده قانون «مصونیت سیاسی دبیرخانه همکاری‌های عمران منطقه‌ای و کارمندان آن» به تصویب مقرر ایرانی رسید و در سال ۱۳۵۴ قانون «الحاق دولت ایران به کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص» تصویب گردید. با توجه به موارد مزبور، مأموران سیاسی خارجی مقیم ایران در صورت ارتکاب جرم در قلمرو حاکمیت ایران، اعم از هوایی، دریایی و زمینی، تابع قوانین جزائی ایران نیستند. با توجه به اطلاق ماده ۳۱ قانون وین، که مصوب مقرر ایرانی است و از قوانین داخلی ما محسوب می‌گردد، مصونیت جزائی مأموران سیاسی، حتی در امور خلاف نیز جاری است.

تعقیب مأموران سیاسی خارجی در ایران، حتی در امور خلاف جایز نیست. تنها اقدامی که می‌تواند صورت پذیرد آن است که ضابطان دادگستری قضیه را به وزارت خارجه اعلام کنند تا از راه‌های دیپلماتیک پی‌گیری شود. (۵۲)

محمولات نمایندگان سیاسی نیز از مصونیت برخوردار است. بر اساس ماده واحده قانون راجع به محمولات سیاسی و لوازم شخصی متعلق به نمایندگان سیاسی (ایرانی و خارجی) مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۵۹، محمولات سیاسی و لوازم شخصی

متعلق به دیپلمات‌های ایرانی و خارجی (نماینده سیاسی دارنده گذرنامه سیاسی) که به ایران وارد و یا از ایران خارج می‌شوند مشمول مقررات ایرانی و بین‌المللی مربوط به مصونیت دیپلماتیک است و نهادهای دولتی و انقلابی به هیچ وجه حق باز کردن و بازدید محمولات و اجناس متعلق به نمایندگان سیاسی را بدون اجازه کتبی وزارت امور خارجه ندارند. در صورت سوءظن مقامات گمرکی و یا سایر مقامات دولتی و نهادهای انقلابی نسبت به محموله‌های سیاسی و لوازم شخصی نماینده سیاسی، باید مراتب را فوراً به وزارت خارجه اطلاع دهند و در صورت تعذر، محموله را به آن وزارت ارسال نمایند تا زیر نظر نماینده وزیر امور خارجه و در حضور نماینده دولت خارجی مورد بررسی قرار گیرد.

مأموران رسیدگی‌کننده باید در نهایت ادب و متانت، با نمایندگان سیاسی رفتار و تمام تسهیلات لازم را برای رفت و آمد آنها فراهم نمایند. در صورت تخلفی از موازین مزبور، مرتکب به حبس از سه ماه تا ۶ ماه محکوم خواهد شد.

دو. مصونیت سفارت‌خانه‌های خارجی در ایران

همان‌گونه که ذکر شد، بر اساس قرارداد ۱۹۶۱ وین، سفارت‌خانه‌ها مصونیت دارند. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا دولت محلی نمی‌تواند هیچ اقدام تدافعی یا پیش‌گیرانه در مورد سفارت‌خانه‌های خارجی اعمال نماید؟

سفارت‌خانه‌ها از مصونیت تفتیش در امور شغلی برخوردارند و در غیر آن، مصونیت ندارند، بنابراین، در صورت پناهنده شدن مجرم به سفارت‌خانه داخلی پس از ارتکاب جرم در کشور، ضابطان دادگستری حق داخل شدن به سفارت‌خانه را برای دستگیری وی خواهند داشت. همچنین می‌توانند برای کشف مواد مخدر اقداماتی به عمل آورند. این امر به معنای نقض مصونیت نیست، اما خارج از نزاکت بین‌المللی محسوب می‌شود.

به دلیل آنکه در گذشته، سفارت‌خانه جزئی از خاک کشور متبوع خود محسوب می‌شد، تابع قوانین آن کشور بود. اما امروز با تغییر این طرز فکر - که پیش‌تر بیان گردید - مقر سفارت‌خانه خارجی جزء خاک آن کشور تلقی نمی‌شود. (۵۳) بنابراین، در صورت ارتکاب جرم در داخل سفارت‌خانه کشور خارجی، قوانین و محاکم محلی حق رسیدگی جزائی و اجرای مجازات دارند. این امر مورد تأیید کشورهای دیگر واقع شده است. برای مثال، در ماجرای تهدید به قتل وزیر مختار بلغارستان در سفارت‌خانه آن کشور در فرانسه، محاکم فرانسه خود را صالح به رسیدگی دانستند. همچنین هنگام قتل وزیر مختار افغانستان در داخل سفارت‌خانه این کشور در آلمان، دادگاه جنائی آلمان خود را

صالح به رسیدگی دانست. (۵۴)

سه. کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی خارجی

الف. کشتی‌های جنگی و خارجی

زیردریایی‌ها و کشتی‌های جنگی خارجی حق عبور بی‌ضرر از آب‌های ساحلی ایران را دارند. زیر دریایی‌ها باید در سطح دریا حرکت نمایند. البته در زمان جنگ، طبق مقررات مملکتی عمل خواهد شد. (ماده ۴ قانون تعیین حدود آب‌های ساحلی)

دولت ایران می‌تواند عبور و یا توقف کشتی‌های جنگی خارجی را بر اساس مصالح مملکت در برخی بنادر و یا قسمت‌هایی از آب‌های ساحلی ممنوع اعلام نماید. (ماده ۶ همان قانون) به دلیل آنکه کشتی‌های جنگی هر کشور بیانگر قدرت و حاکمیت ملی کشور متبوع خود هستند، وقوع جرم در داخل آنها تابع قوانین کشور متبوع کشتی جنگی است.

ماده ۸ قانون «تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه و نظارت دولت بر دریاهای» مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۳ در این خصوص می‌گوید: رسیدگی و تعقیب جنحه و جنایاتی که در کشتی‌های جنگی خارجی واقع می‌شود از صلاحیت مقامات ایرانی خارج است. علاوه بر این، حکم اعدام اشخاصی که به وسیله مقامات خارجی صادر شده باشد، نمی‌تواند در آب‌های ساحلی و منطقه نظارت دریایی ایران به مورد اجرا گذاشته شود.

ب. هواپیماهای جنگی خارجی

مقنن ایران حکم هواپیماهای جنگی خارجی را از سایر هواپیماهای خارجی جدا می‌نماید. بر اساس ماده ۲ قانون هواپیمای کشوری (۱۳۲۸)، این قانون مربوط به هواپیماهای کشوری است و شامل هواپیماهای نظامی نمی‌گردد.

قانونگذار ایران با این اشاره، خواسته است با هواپیماهای جنگی مطابق اصول بین‌المللی برخورد نماید. اما به صراحت، درباره این‌گونه هواپیماها مقرراتی وضع ننموده است. حقوقدانان با تکیه بر اصول کلی حقوق بین‌الملل - در خصوص امری که قبلاً مورد بحث قرار گرفت - هواپیمای جنگی را در حکم کشتی‌های جنگی خارجی دانسته‌اند؛ بدین معنا که هرگاه در هواپیماهای جنگی خارجی، که وارد مملکت شد، جرمی اتفاق افتد، رسیدگی به این جرم با کشور صاحب پرچم - یعنی دولت متبوع هواپیما - است. (۵۵)

چهار. استثنای وارد بر جنبه منفی اصل

«صلاحیت سرزمینی»

الف. استثنای کلی

جنبه منفی اصل «صلاحیت سرزمینی» اقتضا دارد جرایم خارج از قلمرو حاکمیت یک دولت مورد رسیدگی واقع نشود؛ بدین معنا

که قوانین جزائی ایران در خصوص هیچ جرمی خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اعمال نگردد.
این امر واجد استثنائاتی است عمده این استثنا تحت اصول مستقلی همچون اصل «صلاحیت شخصی» و اصل «صلاحیت واقعی قوانین جزائی ایران» باید به طور جداگانه مورد بحث قرار گیرد.

ب. اشغال خاک بیگانه توسط ارتش ایران

اشغال خاک بیگانه توسط ارتش ایران استثنا بر جنبه منفی اصل صلاحیت سرزمینی قواعد جزائی ایران قلمداد می‌گردد. مقررات ۱۹۰۷ لاهه در ماده ۴۳ به دولت اشغالگر اجازه اتخاذ تمام تدابیر لازم را، که به او بستگی دارد، در حد برقراری امکان نظم و زندگی عمومی داده است. به دادگاه‌های نظامی دولت اشغالگر برای رسیدگی به اعمالی که علیه امنیت ارتش اشغالی صورت می‌گیرد اجازه اعمال صلاحیت داده شده است. البته این اعمال صلاحیت باید محدود به جرایم علیه امنیت دولت اشغال‌کننده باشد. بنابراین، به سایر جرایم تسری نمی‌یابد. علاوه بر این، هنگام اعمال صلاحیت، باید اصول اولیه حاکم بر دادرسی مانند علنی بودن، آزادی دفاع و مانند آن رعایت گردد. قاعده «منع تعقیب مجدد» در این خصوص رعایت نمی‌گردد. بدین سان، رسیدگی جزائی فردی از اهالی سرزمین اشغالی در دادگاه‌های نظامی اشغال‌کننده مانع از تعقیب مجدد در دادگاه‌های کشور اشغال شده نمی‌گردد. (۵۶)

در نظام قضائی ایران، در صورت ارتکاب جنحه و جنایات مذکور در مواد ۳۱۰ تا ۴۱۰ قانون دادرسی کیفری ارتش (۱۳۱۹) توسط نظامیان ایران در مناطق تحت اشغال، دولت محلی حق اعمال صلاحیت تقنینی و قضائی نخواهد داشت و موضوع در صلاحیت نظام جزایی ایران است.

مواد ۵۸، ۶۳، ۷۶ و ۱۰۴ و نیز بند ۳ ماده ۱۱۵ قانون دادرسی کیفری ارتش (۱۳۱۹) جرایم مذکور را در صلاحیت دادگاه‌های نظامی و قوانین جزائی ایران اعلام نموده است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور دامغان.
- ۲- مرتضی محسنی، کلیات جزای عمومی، تهران، دانشگاه ملی، ص ۲۹۶.
- ۳- جواد صدر، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ج دوم، ص ۸۱.
- ۴- جواد صدر، پیشین، ص ۸۶.
- ۵- دندیو دو وابر، حقوق جزایی و قانونگذاری جزایی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۸، ص ۶۷.
- ۶- جواد صدر، پیشین، ص ۱۰۴.
- ۸- دندیو دو وابر، پیشین، ص ۶۸.
- ۹- محمد صفدری، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱، ج ۳، ص ۲۱.
- ۱۰- جواد صدر، پیشین، ص ۱۲۳.
- ۱۱- همان، ص ۱۰۶.

- ۱۲- همان، ص ۱۶۰.
- ۱۳- محمد صفدری، پیشین، ص ۱۸.
- ۱۴- همان، ص ۷۸.
- ۱۵- محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، رشدیه، ۱۳۶۳، ص ۱۸۸.
- ۱۶- مصطفی العوجی، القانون الجنایی العالم، لبنان، نوفل، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۳۶۳.
- ۱۷- محمد صفدری، پیشین، ص ۳۵۷.
- ۱۸- عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنایی، تهران، ج ۳، ص ۳۹.
- ۱۹- دندیو دو وابر، پیشین، ص ۵۳.
- ۲۰- عبدالحسین علی‌آبادی، پیشین، ص ۳۸.
- ۲۱- محمد صفدری، پیشین، ص ۳۵۷.
- ۲۲- جندی عبدالملک، الموسوعه الجنائیه، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۳۱، ج ۵، ص ۵۹۹.
- ۲۳- مصطفی العوجی، پیشین، ص ۳۵۸.
- ۲۴- جندی عبدالملک، پیشین، ص ۵۹۹.
- ۲۵- دندیو دو وابر، پیشین، ص ۵۷.
- ۲۶- عبدالحسین علی‌آبادی، پیشین، ص ۴۳.
- ۲۷- دندیو دو وابر، پیشین، ص ۷۲.
- ۲۸- محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج سوم، تهران، اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۴۱، ص ۳۷۹.
- ۲۹- همان، ص ۴۶۸.
- ۳۰- عبدالقادر عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، لبنان، الرساله، ۱۹۳۳، ص ۲۸۵.
- ۳۱- احمد فتیحی بهنسی، العقوبه فی الفقه الاسلامیه، ط الثانیه، دارالرائد العربی، ۱۹۸۳، ص ۵۸.
- ۳۲- محمدبن حسن بن علی طوسی، المسبوط، ۱۳۵۱، ج ۸، ص ۳۷.
- ۳۳- همان، ص ۳۷.
- ۳۴- احمد فتیحی بهنسی، پیشین، ص ۵۸.
- ۳۵- همان.
- ۳۶- همان / روح‌الله الموسوی الخمینی، تحریرالوسیله، ص ۵۰۲.
- ۳۷- عبدالقادر عوده، پیشین، ص ۱۸۹ و ۲۸۱.
- ۳۸- همان، ص ۲۸۸.
- ۳۹- السید السابق، الفقه السنه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۳۴۷.
- ۴۰- محمدحسن نجفی، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۱۳.
- ۴۱- عبدالقادر عوده، پیشین، ص ۲۸۱.
- ۴۲- همان، ص ۲۸۷.
- ۴۳- محمدحسن نجفی، پیشین، ص ۳۴۶ و ۳۴۷.
- ۴۴- محمد ابوزهره، الجریمه، بیروت، دارالفکر العربی، ص ۲۹۶.
- ۴۵- همان، ص ۳۱۶.
- ۴۶- محمد حمیدالله، حقوق روابط بین‌المللی اسلامی، ترجمه مصطفی محقق داماد، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۷۴.
- ۴۷- همان، ص ۲۷۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به شرح السیرالکبیر، ج ۴، ص ۳۲۰.
- ۴۸- سرخسی، مسبوط، ج ۱۰، ص ۹۲.
- ۴۹- نساء، ۴۸-۴۲.
- ۵۰- محمد حمیدالله، پیشین، ص ۷۲ و ۲۵۵.
- ۵۱- مرتضی محسنی، پیشین، ص ۳۹۷.
- ۵۲- غلامرضا شهری و امیر حسین آبادی، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوق دادگستری در مسائل مدنی از سال ۵۸ به بعد چاپ روزنامه رسمی، ص ۴۱۲، ش ۴۳۸.
- ۵۳- جواد صدر، پیشین، ص ۸۳.
- ۵۴- پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۵۴، ص ۱۳۷.
- ۵۵- مرتضی محسنی، پیشین، ص ۳۹۶.
- ۵۶- شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه علی هنجی، تهران، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، ج ۱، ص ۱۶۹.